

خلاقیت در معماری و طراحی صنعتی

حدیث رست

دانشجوی مقطع کارشناسی رشته ی طراحی صنعتی

چکیده

یکی از مهم ترین داشته های انسان، خلاقیت است که در واقع از توانایی های او به شمار می رود. بدون وجود خلاقیت هیچ کدام از پیشرفت های کنونی دنیای امروز حاصل نمی شد و پیدا کردن راه حل های هوشمندانه برای مشکلات کار غیرممکنی بود. بنابراین تصمیم گرفته شد تا در این مقاله به اهمیت، چگونگی و روش ها و نمونه های خلاقیت در معماری و طراحی صنعتی بپردازیم. در این مقاله از روش "علمی - ترویجی" استفاده شده است.

واژگان کلیدی: خلاقیت، طراحی صنعتی، معماری، طراحی داخلی

مقدمه

انسان ها برای ایجاد نشاط و تنوع، نیازمند نوآوری و ابتکار هستند تا این حس تنوع را در خود ارضا کنند. بر این اساس جوامع انسانی برای گریز از سکون و مرگ به خلاقیت محتاج هستند. با آنکه در اهمیت خلاقیت و ترویج آن تردیدی وجود ندارد، اما در غالب موارد حتی در بسیاری از مجامع آموزشی کشورهای پیشرفته وقتی سخن از تدوین و پیاده سازی برنامه های آموزشی به منظور کاربرد خلاقیت به میان می آید، مقاومت به صورت تردید جدی در عملی بودن آن، مفید بودن آن، وجود زمینه های لازم و حتی لزوم آن مطرح می شود. (الله دادی وهنربخش، ۱۳۹۴)

جایگاه جوامع مختلف در جهان امروز به عاملی به نام خلاقیت و نوآوری بستگی دارد و لازمه ی تغییرات هم خلاقیت و نوآوری است. (بندر پور، ۱۳۸۷)

اهمیت و گسترش روز افزون مبحث خلاقیت، ابتکار و نوآوری و اهمیت و نقش آن در روند طراحی صنعتی و ایده آفرینی در بستر پژوهش هنر است. (میرقیداری، ۱۳۸۷)

روش تحقیق

برای انجام این پژوهش از روش استدلال منطقی با استفاده از تدابیر تحلیل توصیفی استفاده شده است. هدف از این پژوهش بررسی نقش خلاقیت در طراحی صنعتی و معماری داخلی است.

تعریف خلاقیت

خلاقیت در لغت نامه ی دهخدا به معنای خلق کردن ، آفریدن و بوجود آوردن است.

خلاقیت، یک فرایند ذهنی است که از فرد معینی و در یک زمان مشخص دیده می شود؛ فرآیندی که در نتیجه آن، یک اثر جدید - اعم از ایده یا چیزی نو و متفاوت - تولید می شود. تولید جدید و متفاوت، می تواند کلامی یا غیر کلامی و عینی یا ذهنی باشد. (مجله ی پرسمان، ۱۳۸۵)

-خلاقیت به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد فکر یا مفهوم جدید است.

-نوآوری، فرایند ادراک یا ایجاد دانش مربوط و تبدیل آن به محصولات و خدمات بهبود یافته و یا جدید است، برای افرادی که خواهان آن ها هستند.

-نوآوری به کارگیری ایده های نوین ناشی از خلاقیت است که می تواند محصولی جدید، خدمت جدید یا راه حل جدید انجام کارها باشد.

-خلاقیت به معنای توانایی ترکیب ایده ها در یک روش منحصر به فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده هاست.

-نوآوری، فرایند اخذ ایده ی خلاق و تبدیل آن به محصول و روش های جدید عملیات است. بنابراین سازمان نوآور به وسیله توانایی انتقال عصاره های خلاق به نتایج مفید مشخص می شود.

-نوآوری، اتخاذ ایده یا رفتاری است که برای نوع صنعت، سازمان، بازار و یا محیط جدید است. اولین سازمانی که این ایده را-

-معرفی می کند به عنوان نوآور در نظر گرفته می شود و سازمانی که از آن ایده تقلید می کند تغییر را اتخاذ کرده است.

-تغییر، ایجاد هر چیزی است که با گذشته تفاوت دارد، اما نوآوری اتخاذ ایده هایی است که برای سازمان جدید است. بنابراین تمام نوآوری های منعکس کننده ی تغییرند؛ اما تمام تغییرها، نوآوری نیستند.

-نوآوری به معنای ایجاد، قبول و اجرای ایده ها، فرایندها و محصولات یا خدمات جدید است. بنابراین نوآوری، استعداد و توانایی تغییر یا انطباق را به وجود می آورد.

با توجه به تعاریف و توضیحات ارائه شده، خلاقیت، ایجاد ایده یا مفهومی جدید از طریق به کارگیری توانایی ذهنی است. همچنین علت و سبب نوآوری است و بدون آن نوآوری صورت نمی گیرد. نوآوری ایجاد و توسعه محصول، خدمات و یا فرایند جدید است که منتج از ایده های جدید باشد. این نوآوری برای صنعت، بازار و محیط جدید است و به تغییر و انطباق بهتر با شرایط محیطی منجر می شود. (الله دادی، هنربخش، ۱۳۹۴)

تاریخچه ی خلاقیت

در آوریل ۱۹۵۱ گزارشی درباره تحلیل عوامل فکر خلاق توسط آزمایشگاه روان شناسی دانشگاه کالیفرنیا جنوبی منتشر شد. قبل از این تاریخ، تحقیقات اندکی درباره خلاقیت فکری اجرا شده بود و اصولاً هیچگونه تحلیل عواملی از آن به عمل نیامده بود. اما حتی در آن زمان هم نشریات و آثار روان شناسی و تعلیم و تربیت حاوی تعداد نسبتاً زیادی فرضیه در زمینه خلاقیت بود که از نظر تجربی هنوز بررسی نشده بود.

در گزارش گیلفورد (۱۹۶۷) تعدادی فرضیه تنظیم شده است. علاوه بر این، آزمون هایی تهیه و اجرا گردید. و نتایج به دست آمده به صورت تحلیل عوامل تجزیه و تحلیل شد.

در نتیجه شانزده عامل استخراج گردید که از بین آن ها چهارده عامل مشخص تر است . ۵ عاملی که به نظر می رسد فکر خلاق را بهتر مشخص می کنند . عبارتند از : ۱- دریافت مسائل (در مقابل موقعیتی معین ، فردی ممکن است متوجه یک یا چند موضوع گردد . و یا اصلا متوجه موضوعی نشود. ۲ - روانی در تولید اندیشه ها ۳- روانی در بیان کلمات (بار آوری فر در این زمینه ۴ - انعطاف پذیری (سهولتی که به وسیله آن آزمودنی می تواند از مقوله ای به مقوله دیگر برود .) ۵- اصالت جویی بازسازی (توانایی در ساختمان مجدد)

دیدگاه گانیه نسبت به خلاقیت

رابرت گانیه آفرینندگی را نوعی حل مساله می داند گانیه در طبقه بندی خود از انواع بازده های یادگیری بالاترین سطح یادگیری را حل مسئله نامیده و طبقه دیگری به آفرینندگی اختصاص نداده ، اما معتقد است که آفرینندگی نوع ویژه ای از حل مسئله است . با وجود شباهت زیاد بین حل مسئله و آفرینندگی می توان بین این دو تفاوت دانست ، حل مسئله فعالیت عینی تر از آفرینندگی است و هدف مشخص تری دارد . یعنی بیشتر بر واقعیات استوار است و هدف آن عینی و بیرونی است در حالی که آفرینندگی بیشتر جنبه شخصی دارد و زیادتر از حل مسئله به شهود و تخیل وابسته است .

دیدگاه تورنس نسبت به خلاقیت

تورنس می گوید هر زمان که ما یک نقص یا کمبودی را احساس می کنیم در ما تنش ایجاد می شود . احساس ناراحتی می کنیم و تلاش به عمل می آوریم تا تنش را برطرف سازیم . در نتیجه به تکاپو و سوال کردن می افتیم ، عناصر را دست کاری کرده و حدس هایی می زنیم و تا زمانی که مورد آزمودن و تجدید نظر قرار نگرفته اند آرام نمی گیریم (بودو، ۱۳۵۸)

دیدگاه گیلفورد نسبت به خلاقیت

در نظریه ی گیلفورد که به الگوی ساخت ذهنی شهرت دارد در آن دو تفکر عمده همگرا و تفکر واگرا را معرفی می کند . خلاقیت را با تفکر واگرا (دست یافتن به رهیافت های جدید برای مسائل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخ) مترادف دانسته است.(بودو، ۱۹۷۸)

دیدگاه محتوایی

برخی از محققان خلاقیت را به عنوان یک فرآیند بررسی نکرده اند بلکه آن را مخلوق همزمانی و تلاقی پاره ای از متغیرها می

دانند. این افراد هر یک، عامل یا مجموعه ای از عوامل را در به وجود آمدن این وضعیت مدنظر قرار داده اند. استرنبرگ خلاقیت را ناشی از وضعیتی می داند که در آن افراد خلاق دارای خصایص اخلاقی و شخصیتی خاص در زمینه مورد نظر خویش، دارای تخصص و دانش کافی بوده و با بهره گیری از توانایی های عقلانی ترکیبی، تحلیلی و ارزیابی ایده ها و نیز همراهی و بکارگیری سبک فکری ابداعی، در درون محیطی حمایتی که انگیزه کار را برای مهیا کرده است واقع می شوند. (استرنبرگ، ۱۹۴۹)

نگاهی به طراحی صنعتی

طراحی صنعتی به عنوان یک رشته و شغل، آمیخته ای است از علم و هنر. هر یک از دو رکن علم و هنر آنچنان جایگاه محکم و استواری در پیکره طراحی صنعتی دارند که با حذف هر کدام، روند طراحی صنعتی به سرانجام نرسیده و نهایتاً نتیجه کار یا به سمت صنعت منحرف شده و یا به سوی هنر صرف، طراحی صنعتی یک رشته جامع و ترکیبی است. تخصصی که برای کسب آن باید از هر زمینه تخصصی، اطلاعاتی مشخص داشت. (مرتضوی، ۱۳۸۶)

طراحی صنعتی گرایش های مختلفی دارد و از جمله گرایش هایی که با طراحی داخلی و طراحی دکوراسیون تعامل زیادی دارد می توان به: طراحی مبلمان - طراحی محصول و طراحی فضا اشاره کرد.

در این شاخه ها از طراحی صنعتی، به خاطر طراحی ابزار یا محصولات که مربوط به فضاهای داخلی می شوند، تعاملاتی با حوزه ی طراحی دکوراسیون و معماری داخلی خواهیم داشت.

معماری داخلی

اولین گام پژوهشی و مطالعاتی در مبحث طراحی داخلی، ایده پردازی ست. ذهن های باز و بدون محدودیت، امکان ایده پردازی بیشتر و بهتری دارند. در روند طراحی، ایده ها و گزینه های برتر در کنار یکدیگر قرار گرفته و کانسپت نهایی را تولید می کنند که پاسخگوی تمامی خواسته ها و نیازهای پروژه است. سؤالی که مطرح می شود این است که چگونه می توان خلاقیت را پررنگ تر نمود. (امید آذری)

معماری داخلی، درونمایه خود را از هنرهای مرتبط نظیر طراحی صنعتی، گرافیک، مجسمه سازی و نقاشی گرفته است. و از سوی دیگر با تکنیک های فنی و اجرایی در ارتباط است. در این میان، غالباً دو گروه شکل می گیرند: گروهی به سوی ایده های مفهومی می روند و گروه دیگر در بیشتر پروژه هایشان سمت و سوی اجرایی و منطقی دارند. اما آنچه برای ما مهم است، تلفیق هوشمندانه این دو رویکرد است. چرا که ساختار و ذات هنر در صورتی به نقطه آرمانی خود می رسد که در چارچوب درست خود قرار بگیرد. این اتفاق خوب، تنها با در کنار هم قرار گرفتن این دو حیطه شکل خواهد گرفت. به همین علت، معمار داخلی باید بر سازه و ساختار مسلط باشد و کارکرد فضا را لمس کند. معماری داخلی صرفاً تزئینات نیست، معمار داخلی باید به هویت فضا که به

روانشناسی محیطی برمی گردد، آگاه باشد. معماری داخلی از طراحی داخلی جدا نیست و این دو در کنش و واکنش نسبت به هم و در هم تنیده اند. (امید آذری)

در حال حاضر دو گرایش در معماری داخلی ما دیده می شود: گرایش مینیمالیستی یا خلق بشتن از کمترین و گرایش دیگر، گرایش تجملاتی کلاسیک. (امید آذری)

خلاقیت در طراحی صنعتی

تعریف خلاقیت بر سه رکن آزادی، بازی ولذت بنا شده است. این ارکان ماهیت خلاقیت را به طور کامل از نتیجه گرایی دور می کنند. هر فعالیت خلاق، یک تلاش فرآیند گرا است، نه نتیجه گرا.

وجه خلاق طراحی به شدت فرآیندگرا است، به همین دلیل اگر کنترل نشود به کوره راه های بدون نتیجه منتهی می گردد. مدیریتی نتیجه گرا در کنار خلاقیت فرآیندگر، گرچه به شدت با هم متناقض هستند، اما بهترین ترکیبی است که برای استفاده از منابع طراحی، به خصوص زمان عمل می کند.

دنیای حرفه ای طراحی کاملانظم گرا و سیستماتیک است. فرآیندهای طراحی، نتیجه ی همین نگاه نظم گرا هستند. آزادی از نتیجه در هنگام ایده پردازی و تمرکز بر نتیجه در بقیه ی فرآیند طراحی، اساس این نظم گرایی را تشکیل می دهد. فرآیند طراحی از جایی کاملاً مشخص شروع می شود و مراحل بعدی می بایست به روشنی تعریف شده باشند. ورودی ها و خروجی های هر مرحله می بایست تعریف دقیقی داشته باشند و ارزش زمانی و مالی مراحل برای اعضای تیم طراحی آشکار باشد.

بزرگ ترین مسئولیت طراح در قبال وجهه ی انسانی است که شرافت خلاقیت و لذت نهفته در آن را پدید آورده است. (هاشمی، ۱۳۹۵)

خلاقیت در طراحی داخلی

به گفته پیترو خلاقیت یعنی خطر کردن. در واقع خلاقیت به این معنا در فرآیند طراحی تا پیش از قرارگیری کلیه عملکرد در فضای می باشد. چرا که در این روند سامانه های مختلفی بر آن اثر می گذارد و ایده اولیه دچار تغییرات بنیادین شود. که سیستم پیشنهادی بدین شرح است:

چیدمان- دیاگرام (ریخت شناسی، بافت، رنگ) ساخت شناسی- اکولوژی و ... در این میان اصول که در طراحی با هدف ایجاد فضای معمارانه در نظر گرفته می شود که در ۹ عنوان تقسیم بندی می گردد: خط دید در فضا، مبلمان- عملکرد فضایی و محدودیتها- مقیاس در فضا). فرم- رنگ بافت نور بازشوها، شکل و نحوه استقرار ساختمان در محل قرارگیری فضاهای داخلی، دکوراسیون داخلی می توانند به گونه ای باشد که موجب ارتقاء سطح آسایش درون ساختمان گردد و در عین حال از طریق عایق بندی صحیح دیوارهای داخلی-مصالح-بافت، موجبات کاهش مصرف سوخت فسیلی پدید می آید. این دو فرآیند مذکور ناگزیر دارای هم پوشانی و نقاط مشترک فراوان می باشند.

از این رو طرح های دکوراسیون و الگوهای آن همواره تغییراتی کلی و جزئی هستند باید به گونه ای طراحی شود که منطبق با خواسته های درونی انسان باشد، هدف اصلی از انجام دکوراسیون، بالا بردن زیبا سازی فیزیکی و هماهنگی آن با احساسات درونی انسان می باشد که جز با تاکید بر روابطی چون عاملیت و عملکرد با فرم و... و همچنین به وسیله عناصر متعلقه و مرتبطی چون رنگ، بافت و... مسیر و مقدور نمی باشد. طراحی داخلی با بکارگیری عناصر فوق سعی در بهینه سازی فضاها و دست یابی به کار آیی و کارکرد مناسب در کنار زیبایی و معانی و معناها می باشد.

تعامل طراحی صنعتی و طراحی داخلی

طراحی صنعتی یعنی توانایی تجسم احجام هندسی به صورت کاربردی، واقعی و البته مقرون به صرفه برای تولید. این توانایی است که فارغ التحصیلان رشته طراحی صنعتی به دست می آورند که البته توانایی تجسم خود را مدیون نام طراحی، و مقرون به صرفه و کاربردی بودن تفکرات خود را از صنعتی بودن این رشته به دست آورده اند.

توانایی تجسم خلاقانه در برخی رشته های آکادمیک دیگر مانند طراحان گرافیک، مجسمه سازان و... نیز وجود دارد. وجه تمایز طراحان صنعتی با دیگر رشته های طراحی همان مسئله کاربردی بودن و مقرون به صرفه بودن تجسمات آنها است. طراح صنعتی می کوشد تا با توجه به نیاز جامعه و در جهت افزایش کیفیت سطح زندگی مردم هر روز المان ها و لوازمی را طراحی کند که زندگی بشر راحت تر می نمایند.

شاید عمده ترین عامل پیشرفت نیاز صنعت ساختمان به حرفه طراحان دکوراتور در سال های اخیر و پیش رو را بتوان انبوه سازی دهه های اخیر در صنعت ساختمان و به تبع آن کوچک شدن خانه ها دانست. با کوچک شدن فضای زندگی در ساختمان های امروزی مواردی همچون استفاده بهینه از کل فضاهای داخلی ساختمان ها، تامین نیاز زیبایی بصری برای ساکنین و... بیش از پیش احساس می شود. از این رو امروز صنعت ساختمان در دو بخش بازسازی فضاهای داخلی ساختمان های موجود و احداث فضاهای مناسب برای بنا های در حال ساخت به طراحان دکوراسیون داخلی تکیه کرده است.

در این میان آنچه امروز از پیشرفت طراحان صنعتی در حرفه دکوراسیون داخلی به چشم می خورد را می توان به نوع نگرش متفاوت آنها (مدل ذهنی طراحی خلاقانه ، کاربردی و مقرون به صرفه) در مقایسه با سایر فعالان در حرفه دکوراتوری ساختمان نسبت داد که این می تواند خبر خوبی برای بسیاری از فارغ التحصیلان این رشته باشد که به حرفه دکوراسیون داخلی علاقه مند هستند. با تعریف بالا به این نتیجه رسیدیم که یک طراح صنعتی مدل ذهنی مناسب برای حرفه دکوراسیون داخلی را دارد و مسئله پیش رو برای ورود به این حرفه آموزش شیوه های اجرایی رشته دکوراسیون داخلی است.

نتیجه گیری

اگر تخصص طراحی صنعتی را تجلی روح هنرمند خلاق در قالب مصنوعات مورد استفاده ی انسان در زندگی روزمره بدانیم، می توان پذیرفت که تخیل، ابزار و تکنیکی بهینه برای ورود به دنیای خلاقیت و نوآوری است. به گونه ای که با استفاده از آن به تدریج ذهن آماده و روان برای تفکر و در مرحله ی بعد تحلیل و در نهایت قضاوت و سنجش می گردد. (الله دادی، هنربخش، ۱۳۹۴)

حالا با توجه به تنیدگی برخی گرایشات طراحی صنعتی و طراحی داخلی، باید به این نکته اهمیت بدهیم که خلاقیت در هر دو عاملی بسیار موثر است که می تواند روند جدید و نوینی را پیش روی طراحان این گرایشات بگذارد، به گونه ای که تعاملی سازنده تر و پویا تر را شاهد باشیم و از دنیای یکنواخت رایج فاصله بگیریم.

منابع:

- بندریور، داریوش، ۷۸۳۱، خلاقیت و نوآوری در تصمیم گیری، کنترولر، دوره دوم، شماره ۱۱، صص ۵۱-۷۷۸.
- الله دادی، مرضیه، هنربخش، فرزانه، ۱۳۹۴، بررسی و تحلیل تکنیک های خلاقیت در طراحی صنعتی.
- امیدآذری، آرتور، خلاقیت در فرآیند طراحی.
- فرامرزی، مرتضی، ۱۳۸۸، خلاقیت و نوآوری در طراحی داخلی.
- جوکار، بهرام، البرزی، محبوبه، ۱۳۸۹، رابطه ی ویژگی های شخصیت با خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی.
- آنتونیا دیس، آنتونی سی، مترجم: نیک فرجام، امید، فرآیند خلاقیت در معماری.
- بذر افشان، فاطمه، باور، سیروس، نقش خلاقیت در طراحی معماری.
- فیضی، محسن، خاک زند، مهدی، تفکر طراحی در فرآیند طراحی معماری.
- هاشمی، مهران، ۱۳۹۵، طراحی صنعتی یک دعوت برای تغییر.

کنفرانس بین المللی

دیزاین

تعامل بین طراحی صنعتی و معماری داخلی
۱۰-۹ اسفند ماه ۱۳۹۶ | تهران، ایران

